

یادداشت کارگری هفته  
جنبش مستقل دانشجویی در تحولی بی مانند در مصاف با حاکمیت اسلامی

امیرجوهری لنگرودی

info@karegari.com

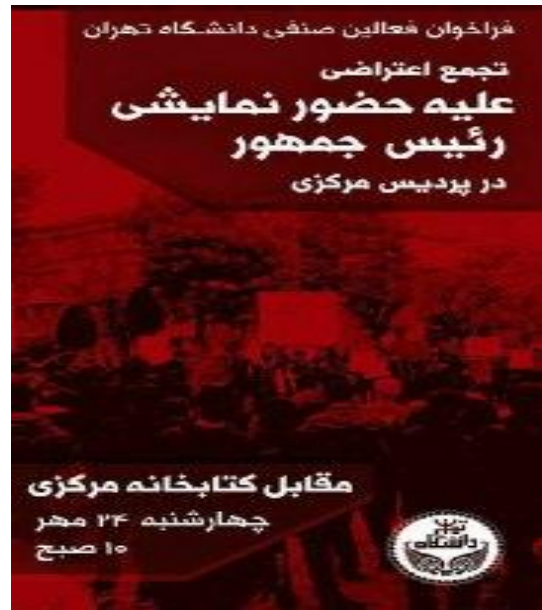


هر جنبش اعتراضی را سطح شعار هایش تعریف می کند !

کلاس درس خالیه، دانشجو زندانیه  
از هفت تپه تا تهران، زحمت کشان در زندان  
کارگر - معلم - دانشجو، اتحاد، اتحاد  
تبعیض جنسیتی، محکوم است، محکوم است  
دانشگاه پول گردان، زحمت کشان در زندان  
دانشگاه پولی شد، دانشجو زندانی شد  
ایستاده ایم در سنگر، دانشجو و کارگر  
دانشجوی زندانی، آزاد باید گردد  
کارگر زندانی، آزاد باید گردد  
معلم زندانی، آزاد باید گردد  
خوابگاه دخترانه، زندانه زندانه  
حراست دانشگاه، شعبه‌ی اطلاعات  
دانشگاه پادگانه، تدبیر، امید، چاخانه

روز شمار کارگری هفته، طی روزهای گذشته، در کمتر روزی با خبر اعتراض دانشجویی روبرو بود و این نشان از تحول و رودر رویی دانشجویان در دانشگاه تهران و دیگر دانشکده های پایتخت و برخی از دانشگاههای سراسری، پیرامون مطالبات بی پاسخ مانده خود دارد.

موج اعتراضات در دانشگاه تهران، دانشگاه پلی تکنیک، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه بین المللی امام خمینی و دانشگاه صنعتی قوچان از جمله دانشگاههایی هستند که دانشجویان در هر یک از مکان های یاد شده، طی هفته تحرکی را به اعتراض سازماندهی کرده اند.



دانشجویان در فراخوان تجمع اعتراضی خویش برای در برابر حضور حسن روحانی در پردیس مرکزی روز چهارشنبه، از پیش‌اعلام داشتند: «حسن روحانی، رییس دولت دوازدهم، علی‌رغم اینکه اکنون ماهیت ضد اجتماعی برنامه‌های سیاسی‌اش بیش از پیش بر همگان عریان است، به خود اجازه داده‌اند که در دانشگاهی بگذارد که دیگر یک نگاه تمام عیار اقتصادی است. فرودستان از ادامه تحصیل بازمی‌مانند. غذا، مسکن و کتاب برای دانشجویان به کالاهایی گران بها بدل شده و سیاست‌های زن ستیزانه، دختران دانشجو را به عنوان بخشی از جامعه زنان تحت ستم به حاشیه می‌راند.

او (حسن روحانی) به همراه رییس دانشگاه متبوع خود در شرایطی پا در صحن دانشگاه می‌گذارد که ما به خوبی تاریخ ۶ ساله دولت او را که تعمیق نابرابری‌ها و سرکوب صداهای مستقل منتقدان بوده، به یاد داریم. فعالان صنفی دانشجویی که امروز در زندان‌اند، ستاره دارمی شوند و یا ابلاغیه‌های معرفی به زندان دریافت می‌کنند، بخشی از جریان مقاومت علیه وضع موجود دانشگاه و جامعه بوده‌اند. بدین منظور ما فعالین صنفی دانشگاه تهران، از تمامی شما دانشجویان دعوت می‌کنیم برای بلندتر کردن صدای این اعتراض، روز چهارشنبه ۲۴ مهر ساعت ۱۰ مقابل کتابخانه مرکزی حضور به هم رسانند.» (شبکه‌های مجازی)

روز چهارشنبه روحانی در کتابخانه دانشگاه ورود می‌کند و می‌گوید: «مردم به نظام و آینده‌شان امید دارند اولین پرچم انتخابات، امید است و همه آنهایی که به پای صندوق می‌روند یعنی به آینده امید دارند. وی با بیان اینکه ما در کشوری سری مسائل داریم که حل و فصل آنها خیلی مشکل نیست ولی در دو یا سه سال می‌توان آنها را حل کرد؛ از جمله این مشکلات آب، محیط زیست و غیره هستند که با چند سال کار حل می‌شود اما یک سری مشکلات در جامعه در زمان کوتاه قابل حل نیست و بلندمدت است که اساتید و دانشگاه‌ها در آن نقش بیشتری دارند و آن استراتژی حرکت کشور است...» (خبرگزاری‌های رسمی ایران)، عصاره حرف روحانی در این جلسه؛ زمینه‌سازی جنگ خود در شرایط پیش از انتخابات با حاکمیت ولایی و اصولگرایان و دیگر جناح‌های حکومتی هم بعنوان رئیس جمهور و هم عضو "مجمع تشخیص مصلحت نظام"، در اساس رنگ و لعاب تازه‌ای به خود گرفته است. سخنان نوبرانه او درباره رفتارندم که گفته بود: «... حتی اگر سال‌ها بحث کردیم و به نتیجه نرسیدیم، باید راه را از طریق هم‌پرسی پیش ببریم از مردم بپرسیم. ۴۰ سال است داریم با هم بحث می‌کنیم. راه را باید انتخاب کنیم. از دانشگاه‌ها می‌خواهم نظرات اقتصادی‌شان را به ما بگویند. همین امروز هم دانشگاه‌های ما تلاش فراوان کردند.» (خبرگزاری ایلنا، چهارشنبه ۲۴ مهر ۹۸)، روی آوری به مردم، جبهه دیگری است که روحانی

در این شرایط گشوده است. اما دانشجوی معترض در فضای اعتراضی دانشگاه مقابل کتابخانه مرکزی فریاد می زد :

**"دانشگاه پادگانه؛ تدبیر، امید، چاخانه" وبا درایتی کم نظیر شعار می دهند:**

**"حراست دانشگاه؛ شعبه‌ی اطلاعات"**

فرا تر از این شعارها، توجه به مضمون فراخوان و تحرک اعتراضی سازمان دهی شده روز چهارشنبه، دانشجویان در تجمع سازمان یافته خود، علیه حضور نمایشی روحانی در دانشگاه، به مجموعه قوانین تبعیض آمیز، به پولی شدن دانشگاه و دریافت شهریه از دانشجویان روزانه پس از پایان سنوات تحصیلی، حمایت از تحصن "سها مرتضایی" دبیر سابق شورای صنفی مرکزی دانشجویان دانشگاه تهران و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، و به مسمومیت دهها دانشجوی علم و صنعت، درخواست تغییر پیمانکار سلف سرویس غذایی و عذرخواهی رئیس دانشگاه و مسئول روابط عمومی دانشگاه بابت درج خبر اشتباه در مورد مسمومیت دانشجویان از جمله مطالبات بی پاسخ مانده خود است، انگشت می گذارد.

فرا تر از شعارهای سر داده شده در فضای عمومی خیابان دانشگاه، در بیانیه فعالان صنفی دانشگاه تهران در اعتراض به حضور نمایشی حسن روحانی در دانشگاه، آمده است: «تفاوتی ندارد کدامیک از صاحب منصبان پشت درهای بسته سالن های همایش نشسته باشد. تفاوتی ندارد راجع به حقوق شهروندی داد سخن برانند یا از مزه شیرین عدالت حرف بزنند. پاسخ حاکمان به همکلاسی ها و رفقایمان که همپای طبقه کارگر علیه نابرابری فریاد سر دادند باز داشت، انفرادی و زندان بوده است. حنای هیچ یک از سیاستمداران برای ما رنگی نداشته و ندارد. تاریخ همواره گواه این دیوار سنگی است که حائلی است میان ما و آنها. ما، روی تلی از حرمان و فقر و خون ایستاده ایم. آنان رو در روی ما چکمه بر گلی فرودستان می فشارند....» (۱)

همه صحنه های رودر رویی بین دانشجویان و جنبش های اجتماعی موجود اعم از (زنان- معلمان- کارگران و سطوح اعتراضات آزادیخواهانه کانونیان)، آنچنان از هم پوشانی مطلوب برخوردارند که در اینجا و آنجا، خاصه بر سر طرح مطالبات خویش، بر هم پهلومی زنند، که در کمتر دوره ای اینگونه برجسته بوده است. از این رو باید با جسارت بیان داشت: امکان همگرایی بین دانشجویان و جنبش های زنان، دانشجویان با کارگران، آنچنان بالا است که فریاد برمی آورند: "فرزند کارگرانیم - کنارشان می مانیم". شاهدیم که مطالبات این جنبش های اعتراضی واقعا موجود، هم از اشتراکات موضوعی برخوردارند.

امروز تعداد بالای دانشجویان زندانی (که درصد بیشتری از آنان دختران و زنان جامعه ما هستند)، بخشی از این زنان به اتهام بی پایه "امنیتی" در امر حمایت از جنبش کارگری با محکومیت طولانی مدت، از ماهها پیش در زندان هستند (سپیده قلیان- عسل محمدی- ساناز الهیاری- مرضیه امیری- ندا ناجی- عاطفه رنگریز- آنیسا اسدالهی و ....)، و همین موضوعیت این دفاع را برای دانشجویان سنگین ترمی نماید.

همچنین جنبش زنان بطور عام با تبعیض جنسیتی در کلیت جامعه دست به گریبان است، جنبش دانشجویی با برقراری تبعیضات جنسیتی در تعیین رشته، در خوابگاهها، در ورودی های دانشگاهها و ..... دست و پنجه نرم می کند. در هم تنیده گی این سطح از خواسته ها، در بهم پیوستگی توازن قوای مبارزات موجود هم تاثیر بسزایی خواهد داشت.

باید افزود؛ جنبش دانشجویی ما طی سال های اخیر با پولی سازی محیط های آموزشی و خصوصی کردن نظام آموزشی مخالف است، جنبش کارگری نیز در سطح صنایع متنوع از جمله: (ماشین سازی تبریز- صنعت دشت مغان- صنعت نیشکر هفت تپه- صنعت فولاد اهواز و فولاد آذربایجان و مجتمع صنایع

آلمینیوم جنوب، ۶ شرکت پتروشیمی از جمله: پتروشیمی تبریز و پتروشیمی دماوند، ۶ شرکت حمل و نقلی از جمله: حمل و نقل بین المللی خلیج فارس و هواپیمایی کیش- صنایع آذرباب - هپکودر اراک- صنایع کشاورزی و دامپروری و جنگلداری- و غیره ... ) که در حال حاضر با ادامه خصوصی باقی ماندن و واگذاری های صنایع به بخش خصوصی و خصولتی نمودن این مجموعه ، شریان حیاتی صنایع کشور در خطر تعطیلی نابودی و تعطیلی عمده کارگران است، مخالفت می نمایند.

در این شرایط، نقطه وصل دانشجویان و کارگران بر سر موضوع بیکاری عظیم فارغ التحصیلان بیکارزن و مرد بهم گره می خوردند. چرا که امروز همچون دیروز، سونامی بیکاری گسترده بالای جان کارگران دیروز که بیکاران امروزند، همچنان امنیت شغلی و سطح معیشت آنان تهدید می کنند. در این میان فارغ التحصیلان بیکار ما خاصه از خیل وسیع دختران فارغ التحصیل دانشگاهی هم قربانی می گردند. آمار بیواسطه روشنی از فارغ التحصیلان زن سراسر کشور از مرجع رسمی در دست نیست ولی در مطبوعات ایران آمده است : « بررسی وضعیت بیکاران از این حکایت دارد در پایان سال گذشته ۳۸,۵ درصد آن ها از فارغ التحصیلان آموزش عالی بودند که تعدادشان در مقایسه با سال ۱۳۹۶، ۱,۴ درصد افزایش یافتند.

از فارغ التحصیلان بیکار ۲۶,۱ درصد را مردان تشکیل می دهند که تعدادشان ۱,۷ درصد افزایش داشته است. همچنین ۶۵,۹ درصد فارغ التحصیلان بیکار به زنان اختصاص دارد که تعداد آن ها هم ۱,۶ درصد رشد داشته است.» ( باشگاه خبرنگاران جوان، مقاله: چند درصد فارغ التحصیلان بیکارند، ۲۹ فروردین ۱۳۹۸ ) (۲)

یا سایت "الف" به مسئولیت احمد توکلی از قول خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران اعلام می دارد: «به گزارش فارس، نتایج طرح آمارگیری نیروی کار بهار سال ۹۸ نشان می دهد سهم جمعیت بیکار ۱۰ ساله و بیشتر فارغ التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران کشور ۴۰,۳ درصد است که نسبت به بهار ۹۷، ۳,۹ درصد افزایش یافته است.

همچنین سهم فارغ التحصیلان آموزش عالی از کل شاغلان ۲۴,۵ درصد است که نسبت به بهار سال گذشته ۱,۳ درصد رشد دارد. این موضوع برای مردان ۲۸,۹ درصد بوده که نسبت به بهار سال گذشته ۵,۱ درصد به تعداد بیکاران افزوده شده است. این آمار برای زنان به ۶۴,۹ درصد می رسد که نسبت به بهار ۹۷ بالغ بر ۱,۸ درصد به بیکاران این بخش اضافه شده است .

شاخص های عمده بازار کار در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات حکایت از سهم ۴۹,۶ درصدی شاغلان بخش خدمات با ۱۲ میلیون و ۹۱ هزار نفر شاغل ثبت شده است.» (۳)

هرچقدر که پیش برویم این آمارها دستخوش تغییر می گردد و به مرز ۵۰ تا بالای ۶۵ درصد بیکاری زنان افزایش می یابد. گستردگی بیکاری از فصل مشترک جنبش کارگری با دانشجویان است که فردا که دانشگاه به پایان برده شد، دوندگی آنان در بازار کار و موضوع بیکاری دهن بازمی کند.

دانشجویان در دوره مبارزات خیابانی نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز، فریاد برمی آوردند: " فرزندان کارگرانیم، کنارشان می مانیم". عریانی این شعار بیان یک واقعیت انکارناپذیر است. که بخش وسیع دانشجویان سراسر کشور، فرزندان اردوی پُرشمار کارگران ایران هستند. کارگران هر قدم که بتوانند سرمایه را به عقب نشینی و ادار کنند، یا درستتر بگوئیم هر قدمی که به جلو بردارند، فرزندان آنها هم بی نصیب نخواهند ماند.

به نظرمی آید؛ باید بیشتر روی فصل مشترک مطالبات جنبشهای زنان، دانشجویان و کارگران تمرکز کنیم و همواره روی محور همگرایی های این نیروی عظیم در به چالش کشاندن کل حاکمیت و محترم شمردن استقلال عمل جنبش دانشجویی پای بفشاریم. توجه به تجربه دوره های گوناگون فعالیت دانشجویان و

زیرگرفته شدن استقلال عمل آنان توسط گروه بندیهای درون آپارات حاکمیت و نیروهای فرقه گرای اپوزیسیون نظام به مانند گرایشات "ح.ک.ک"، بطوری که موجودیت نیروی دانشجویی راپر هزینه نمود. بعنوان درس آموزی از آن گذشته، باید به خدمت گرفته شود.

با تاکید یادآوری کردم: امروز ملحوظ داشتن چنین بهای سنگین، با توجه به استقلال عمل جنبش دانشجویی، همانند جنبش زنان و کارگران، باید الزاما چراغ راهنمای هرفعال کارگری در عمل اجتماعی اش باشد.

حال این پرسش در برابر ما است؛ دانشجویان امروز در کدام مسیر سیر می کنند و چگونه می توان از پیکره مستقل میلیونی جنبش دانشجویی به مدافعه برخاست و امر استقلال عمل این جنبش مطالباتی را در بطن مبارزه جاری به کار بست؟!

امروز دانشجویان از دفتر تحکیم - جنبش سبز و اصلاح طلبی - یعنی از جریان (جبهه دانشجویان متحد) که از دولایه انجمن های اسلامی سابق و طرفداران موسوی تشکیل می شود. وجهه ای بین دانشجویان ندارند، عبور کرده اند. در بین دانشجویان رویکردی است که آنها را دفع می کنند. حتی وقتی آنها پولی سازی را نقد می کنند، دانشجویان آنها را نقد می کنند. جریانهای دانشجویی وابسته به رژیم بعد از شورش ده روزه سال نود و شش تضعیف شده و از دیگر سو، شوراهای صنفی قویتر شده اند. شوراهای صنفی خصوصی سازی را هدف گرفته اند. اینها جریان غالب هستند. جریان چپ پرچم را بلند کرده است. غالب نیروی شوراهای صنفی دارای گرایش چپ هستند، یا اینکه گرایش چپ در آنها قوی است. باید توجه داشته باشیم؛ شوراهای مقاطعی دارای یک نوع همسوئی با عدالتخواهان تقلبی می شوند. تقلبی ها با طرح سنوات مخالفت می کنند به این دلیل ساده که نمی خواهند ابتکار عمل را از دست بدهند.

اما در بیانیه یاد شده در و در رویی با حسن روحانی و نشست اش در دانشگاه تهران، دانشجویان اینگونه داد سخن می دهند: « نمی توان شریک دزد بود و رفیق قافله. نمی شود از یک سو در جبهه سیاستمدارانی ایستاد که سیاستهایشان کارگران هفت تپه ها، فولادها و هیکوها را به خاک سیاه نشانند، صندوق های بازنشستگی را به ورشکستگی کشاند و در همه عرصه ها ویرانی بر ویرانی آفرید و از سوی دیگر شعبده بازانه، دهان به انتقاد از همین سیاست ها گشود. این بازی های فریبکارانه مدتهاست برنده ای جز صاحبان قدرت ندارند. از این روبا صدای رسا می گوئیم: دانشجویان فعال در این تشکلها بدانند نقد آموزش کالایی و سایر سیاست هایی که در پی تشدید نابرابری هستند، با نفی بنیادین وضع موجود در هم تنیده است. برای ما بسیاری از دانشجویان فعال شده در این تشکل ها ماهیتی متفاوت از نفس وجود این تشکل ها و روابط ساختاری و حزبی آن ها دارند اما اگر نقد نابرابری در تمام عرصه های اجتماعی میناست، این دانشجویان باید پیش از هر چیز علیه موجودیت و تاریخ این تشکل ها و علیه بهره مندی آنها از امکان هایی که به قیمت سرکوب جریان های مستقل به دست آمده، به پا خیزند.» (۴)

با اینهمه در بین گرایشات مختلف دانشجویان توجه به این سیاست می تواند مهم باشد که آنان با تمامی دسته جات رابطه فکری و نظری داشته، جایی که گروه بندی های دیگر به مطالبات یاد شده دانشجویان در بیانیه نزدیک می شوند، منطقی این می نماید که با آنان برخورد نشود. برعکس وقتی آنها ساز خود را گوک می کنند تا مصالحه نمایند، لازم می نماید و الزامی ایست که دانشجویان مستقل با موضع آنان برخورد کنند. این روشی است که نیروی دانشجویی را حمایت می کند. در این صورت است که می شود دم نیروهای حراستی و چماقداران را قیچی کرد، و در این مسیر است که همگرایی بهتر شکل خواهد گرفت.

امروز بیانیه دانشجویان معترض در روزی که روحانی به دانشگاه رفته بود به خوبی نشان می دهد که نقد آموزش کالایی، در مضمون "ظهور انواع و اقسام دانشگاه های پولی، هزینه های سرسام آور تحصیل در دانشگاه های دولتی، کاهش سهمیه دانشجویان روزانه، طرح و بسط روز افزون قوانین

تبعیض آمیز جنسیتی، ایجاد گزینش های آموزشی برای حذف ساکنان استان های پیرامونی و محدودیت آفرینی برای اقلیت های قومی و مذهبی، ادعای آموزش رایگان و همگانی را به دروغی بزرگ بدل ساخته است." دربین بدنه جنبش دانشجویان، به خواست تمامی کارگران مخالف بخش خصوصی پهلو می زند. لازم می نماید همه ما بیش از گذشته به این مسئله و امر همگرایی و خویشتن باوری طبقاتی جنبش دانشجویی با دیگر جنبش های اجتماعی مطالبه محور توجه کنیم و با تمام توان صدای آنان باشیم!

جمعه ۲۶ مهر ۱۳۹۸ برابر ۱۸ اکتبر ۲۰۱۹

**منابع:**

(۱)

<https://www.rahekargar.net/browsf.php?cId=1049&Id=1030>

(۲)

<https://www.yjc.ir/fa/news/6903392>

(۳)

<https://www.alef.ir/news/3980417197.html>

(۴)

همان مرجع شماره یک،سایت راه کارگر

<https://www.rahekargar.net/browsf.php?cId=1049&Id=1030>